

تحلیل

احسان محمدی



نگاهی به تمایزات و تشابهات ماهیت تفکر اعتزالی و شیعه

## رویکرد به «عدل» مهم‌ترین شباهت و تفاوت معتزله و امامیه

معتزله و امامیه از نظر خردورزی دو مکتب مشابه در میان اعتقادات جهان اسلام است. اهالی اعتزال همچون شیعه به عقل گرایِ معروفند و همین وجه شباهت و چند مورد دیگر سبب شده برخی گمان کنند شیعیان گروهی از معتزله هستند در حالی که بسیاری از معتزلیان که در حال حاضر نیز بخشی از روشنفکران دینی جهان اسلام را شامل می شوند داشته‌اند که عدم توجه به این موارد و یکسان‌انگاری این دو تفکر باعث کمرنگ شدن مرزهای اعتقادی بین شیعیان به عنوان پیروان مذهب حقه و سایر مذاهب می‌گردد. در ادامه به مهم‌ترین و جوه افتراق میان دو تفکر نامبرده اشاره می‌شود.

■ شکل‌گیری اعتزال

مکتب فکری معتزله در جهان اسلام، یکی از نخستین مکاتب فکری است که عقاید منسجمی پیرامون برخی از قواعد اصول دین ابراز نموده‌است. این مکتب با رویکرد عقلی در برابر تفکر اشعری گری که تعقل را در عبودیت و احکام روانی دانست پیدایش یافت.

گرچه عقاید معتزله از همان اوایل اسلام توسط افرادی مورد بحث قرار می‌گرفت، اما در واقع اعتزال از قرن دوم هجری قمری، به صورت مکتبی منسجم مطرح شد و پایه‌گذار آن را اواصل بن عطا می‌دانند. وی که از شاگردان حسن بصری است، پس از چندی از مکتب وی جدا شده و به همراه تنی چند از هم‌راهان خود چون عمروبن عبید، تفکر معتزله را بنا نهاد. مکتبی که با گذشت زمان تبدیل به یکی از قوی‌ترین جریان‌های استدلالی اسلام شد که در مناظرات و مکاتبات دینی با ملحدین و مشرکین آنان را شکست می‌داد.

بسیاری از مورخین چنین عنوان می‌کنند که واصل‌بن عطا دو اصل کلیدی خود در این مکتب را از مشرب فکری اهل بیت و خصوصاً امیرالمؤمنین(ع) به‌عاریه گرفته‌است.
کعبی از شیوخ معتزله قرن چهارم، معتقد است ریشه تفکر معتزله به ابوحنیفه، فرزند علی بن ابی‌طالب و به واسطه ایشان به پیامبر اکرم (ص) می‌رسد.

■ اصالت با معتزله یا امامیه

این که معتزله افکار خود را از شیعیان گرفته یا شیعیان تحت تأثیر تفکرات معتزلی بوده‌اند، موضوعی است که تاریخ‌شناسان را به ارائه نظرات گوناگون واداشته‌است.

برخی از طرفداران معتزله، تشیع را در واقع معتزلی‌های معتقد به امامت می‌دانند، در حالی که برخی از عالمان شیعه امامت را منشأ تفکرات و اعتقادات‌شان می‌دانند و می‌گویند معتزله نیز چنانچه خود اقرار دارد اصول عقلی و رویکرد عقل‌گرایانه خود را از همه اظهار و خصوصاً حضرت علی(ع) اتخاذ کرده‌است.

در حالی که می‌توان این‌گونه استنباط نمود که هر دو مکتب، ریشه و مشرب خود را از یک منبع واحد دریافت می‌کنند و با توجه به این که اهمیت دادن به عقل‌گرایی پس از پیامبر به اقرار همه‌اهل علم، به حضرت امیر برمی‌گردد؛ لذا هر دو تفکر از کوثر خردگرایی باب‌العلم بهره برده‌اند.

با وجود این قرابت، اما در ادامه علمای شیعه که در تلمذ مکتب اهل بیت بودند در تفسیر پدیده‌ها و نوع نگاه اصولی زوایایی با معتزله –که عمدتاً به علمای عقل‌گرای اهل سنت اطلاق می‌شود– پیدا کردند.

مهم‌ترین قرابت نظر میان معتزله و شیعه را می‌توان در زمینه عدل الهی دانست که در ادامه توضیح داده خواهد شد؛ این قرابت به گونه‌ای است که برخی اساساً هر دو مکتب را یکی دانسته و در برخی متون شیعه را با عنوان معتزله نام برده‌اند. در حالی که به‌رغم برخی شباهات تفاوت‌های جوهری در اعتقادات دو گروه وجود دارد که در ادامه بررسی می‌شود.

■ برخی و جوه افتراق دو مکتب

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های امامیه با معتزله همان‌گونه

که از نامش پیداست اعتقاد به اصل امامت است. معتزلیان گرچه بسیاری‌شان شاگرد امامان بوده‌اند اما محوریت ولایت و اعتقاد به آن را به عنوان اصل اعتقادی برای خود نپذیرفته‌اند. معتزله معتقد به شورایی بودن حکومت بعد از پیامبر است و معصوم بودن امام جامعه را لازم نمی‌دانند.
از موضوعات کلامی و فلسفی دیگری که مورد اختلاف بین معتزله و شیعه است؛ اعتقاد به وجود واسط میان عدم و وجود است. شیعیان معتقدند همه چیز وجود است و هر چه وجود نیابد عدم است؛ در حالی که معتزله با پیش کشیدن موضوع «احوال» معتقدند عدم و وجود نیابد است که صرفاً بنا به ظاهر «حال» چیزی واسط بین وجود و عدم است و به تعبیری یک رشته اوصافی داریم که نه موجود هستند و نه معدوم بلکه میانه این دو قرار دارند. فلاسفه و متکلمان شیعه با براهین مختلف در صدد پاسخگویی به این موضوع برآمده و می‌کوشند عقلاً محال بودن واسطی میان وجود و عدم را اثبات کنند.

تاویل‌گرایی بیش از حد متعارف از دیگر شاخص‌های تفکر معتزلی است به گونه‌ای که آنان در بسیاری از موارد که آیات به صورت ضمنی در موضوعی قهقی نظر داده‌اند، با توجه اندک به سیره نبی(ع) و اقوال صرفاً به حکم عقل آن را تعبیر می‌کنند. در حالی که شیعیان بسیار از علم حدیث برای رسیدن به احکام استفاده می‌کنند. البته تعقل در آیات و روایات در استنباط موضوعات در تفکر امامیه اصلی محوری است و همین اختلاف میان امامیه و اشاعره است که صرفاً بنا به ظاهر آیات و روایات حتی حکم به مواردی می‌دهند که خلاف مسلم عقل است.

تفاوت در نوع جبر و اختیار‌گرایی نیز از مؤلفه‌های اختلاف میان این دو است. عقیده امامیه در خصوص تفویض اختیار، آن است که افعال انسان حدی میانه جبر و تفویض است و در این راه به امام صادق(ع) و روایت معتبر ایشان اشاره می‌کنند که می‌فرمایند: «نه تفویض کامل صحیح است و نه اختیار تام؛ بلکه امر بین این دو امر است». اما معتزله معتقدند تفویض



مهم‌ترین قرابت نظر میان معتزله و شیعه را می‌توان در زمینه عدل الهی دانست.
این قرابت به گونه‌ای است که برخی اساساً هر دو مکتب را یکی دانسته و در برخی متون شیعه را با عنوان معتزله نام برده‌اند



## اندیشه

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————

—————



معتزله می‌گویند ما توحید افعالی را فدای عدل الهی نموده‌ایم و اشاعره در مقابل می‌گویند عدل الهی را فدای توحید افعالی کرده‌ایم اما هر دوی این گروه‌ها از نظر ایمیه دچار افراط و تفریط شده‌اند و نتوانسته‌اند به حقیقت نسبت توحید به عدل الهی دست یابند

■ عدل، تفاوت محوری دو مکتب

جایگاه عدل در عقاید معتزله

معتزله معتقد است بعضی امور ظلم و بعضی دیگر از اقدامات، عدل هستند. از آن‌جا که ظلم فعلی قبیح است و فعل قبیح بر خدا راه ندارد، خداوند رفتاری جز عدل ندارد و رفتاری چون پاداش خداوند به نیکوکاران و کیفر افراد گناهکار در واقع ظهور عدل خداست و محال است خداوند خلاف آن عمل کند.

از همین‌جا می‌توان نتیجه گرفت معتزله اعتقاد کامل به ذاتی بودن حسن و قبح اعمال دارد. شهید مطهری این اعتقاد معتزله را چنین تشریح می‌کند: «اینان معتقدند که اصل حسن و قبح اشیا همان‌گونه که معیار و مقیاس کارهای بنسری است، می‌تواند معیار و مقیاس افعال ربوبی قرار گیرد… می‌گویند عدل ذاتاً نیک است و ظلم ذاتاً زشت است، خداوند که عقل غیرمتناهی است بلکه فیض‌بخش همه عقل‌ها است، هرگز کاری را که عقل نیک می‌شناسد ترک نمی‌کند و کاری را که عقل زشت می‌شمارد انجام نمی‌دهد.»

ملاک تشخیص حسن و قبح اعمال در تفکر اعتزالی، عقل انسان است و از نظر ایشان عقل می‌تواند فارغ از کمک شارع خود به قبح اعمال از جمله دروغ، خیانت، فحشا و… بی‌یبرد.

با توجه به بحث فوق، می‌توان جایگاه اصل عدل را در نگرش معتزله ملاحظه کرد. از این نظر هم معتزله و هم تشیع، به‌رغم سایر مذاهب اهل سنت عدالت را جزو اصول اعتقادی و حتی اصل دوم از اصول پنج‌گانه خود قرار داده‌اند.

آنچه معتزله عدل الهی را در آن نافذ می‌دانند، مربوط به صفات خداوند است و لذا همه صفات خداوند عین عدل برشمرده می‌شود و از این رو معتزله به توحید صفاتی معتقد است.

اما وجه تمایز تفکر شیعیان و پیروان اعتزال، موضوع توحید افعالی است. معتزله معتقد است با توجه به این مسئله را شیعیان این‌گونه حل کرده‌اند که اختیار برای انسان قابل پذیرش است بدون آن که تراجمی با اختیار خداوند در بروز افعال داشته باشد. در واقع انسان‌ها شریک خداوند در تحقق افعال محسوب نمی‌شوند بلکه هر آنچه انجام می‌دهند در واقع مشمول اراده الهی بوده است. بدین سان به قول شهید مطهری شیعه مسئله قضا و قدر الهی را می‌پذیرد بی آنکه نتیجه این مسئله اعتراف به مجبور بودن انسان مقابل قضا و قدر باشد.

در واقع توحید افعالی در نگاه تشیع به این معنی است که نظام اسباب و مسببات مسئله‌ای دارای اصالت است و هر اثری در عین اینکه قائم به نزدیک‌ترین سبب خودش است، قائم به حق نیز هست و این دو در طول یکدیگرند نه در عرض یکدیگر. تفکر شیعه همچنین صفت عدالت را در تمام صفات خداوند متجلی و همه این صفات را عین عدل می‌دانند و معتقد به توحید در صفات خداوند هستند با این تفاوت که شیعه توحید در صفات را عین توحید در ذات و فعل خدا می‌داند و برای آن دوگانگی قائل نیست، اما معتزله توحید در فعل را غیر از توحید در صفات دانسته و در آن تشکیک می‌کند.

گزارش

دکتر مهدی محقق در شوکران:

### در کشور فقیر مصر برخی کتب ۱۸۰هزار تیراژ دارند

ششمین قسمت برنامه تلویزیونی «شوکران» هفته گذشته با دکتر مهدی محقق، ادیب و مجتهد از شبکه چهار سیما روی آنتن رفت.

وی در ابتدای این برنامه گفت:نظام علمی ما نظام غیربویا است. به علت اینکه از فرنگی‌ها یاد گرفتیم درس‌ها را واحدی کنیم. درحالی‌که در مدارس قدیم هر درسی اعم از فقه، اصول و بلاغت را هر روز معلم درس می‌داد و الان هم در حوزه‌های علمیه به همین کیفیت است و آن روش قدیم خیلی بارور تر بود تا روش جدیدی که ما ازروپایی‌ها گرفتیم.

این استاد بازنشسته دانشگاه اظهار داشت: چندین سال در مدرسه علمیه نواب معمم بودم و هر روز چشم‌مان به استاد‌های مان می‌افتاد و ارتباط ما، ارتباط پدر و فرزند بود ولی در نظام جدید می‌بینیم شاگرد می‌خواهد یک سؤال از استاد بکند، استاد می‌گوید من وقت ندارم و رها می‌کند!علم در چنین محیطی زایندگی پیدا نمی‌کند.

محقق با انتقاد از قانون بازنشستگی اجباری اساتید بالای ۶۵سال گفت: در اروپا تا وقتی که استاد خودش می‌تواند درس بدهد ولو اینکه با ویلچر او را به دانشگاه بیاورند، او استفاده می‌کنند ولی اینجا یک استاد را بازنشسته می‌کنند! یعنی چه که کشور ما از نظر علمی مایل بند نیجریه و کشورهای آفریقایی شود؟!

رئیس هیئت‌مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان به رئسائس جدیدی در عالم اسلام امید داشت؟ گفت: به آینده امیدوار هستیم، به علت اینکه نسل جدید بعد از انقلاب بیشتر علاقه‌مند به علم، دانش و اندوختن علوم مربوط به فرهنگ، تمدن و مذهب اسلام است.

محقق تأکید کرد: باید به میراث اصیل گذشته خود توجه کنیم، مثل ترجمه‌های کتاب‌های یونانی، محقق‌ها با یک جمله زشتی می‌گویند مأمون فلسفه یونانی را به عالم اسلامی آورد که در خانه آل محمد علیه‌السلام را ببندد! مگر خانه آل محمد با ۴تا کتاب یونانی، سریانی و سانسکریت بسته می‌شود؟!الآن که در اربعین بچه‌ها و جوانان را می‌بینیم که پای پیاده در خانه آل محمد می‌روند. وی در بخش دیگری از این برنامه در تعریف یک فیلسوف واقعی گفت کسی است که بتواند آن تفکر فلسفی خودش را وارد عمل کند که مردم استفاده کنند. فلسفه آنها می‌تواند به مسائل جامعه و کشور کمک کند، به ش‌طی که گرفتار عوام نشوند!اسلحه عوام جهل و نادانی است و در ادبیات ما می‌گویند که هر دردی دارویی دارد ولی جهل، بدون دارو است. امیدوار هستیم در آینده مردم توجه بیشتری به علم و دانش و روشنی پیدا کنند.

محقق گفت: من عضو فرهنگستان مصر هستم، در این کشور فقیر برخی کتاب‌ها مانند «معجم‌الادبا» ۱۸۰هزار تیراژ دارند، ولی در ایران به هزار نسخه هم شاید نرسند. متأسفانه سنت مملکت ما این است که «أولو الفضل، فی أوطانهم، غرباء» صاحبان فضل در وطن خود غریب هستند.

وی در پایان خاطر نشان کرد: به جای تشویق، بی‌مهری‌های زیادی درمیدم. مثلاًبعد از انقلاب گفتند دکتر محقق در خارج از ایران، اسلام آریامهری درس داده است. در حالی که کتاب حاج ملاهادی سبزواری را با کمک ایزوتسو ترجمه کردیم و در نیویورک چاپ شد؛ که بعد از ۸۰۰سال که تفسیر مابعدالطبیعه این‌شد به زبان لاتین ترجمه شده است. دیگر کتابی از عالم اسلام به غرب رفته بود، این اولین بار بود. «شوکران» محصول مشترک حوزه هنری و شبکه چهار سیما به تهیه‌کنندگی علی قرنایی است که دوشنبه‌ها حوالی ساعت ۲۱روی آنتن می‌رود و بازپخش آن نیز روزهای سه‌شنبه ۱۰صبح، جمعه ۱۴و یکشنبه ساعت ۱۹است.

دیدگاه

آیت‌الله میرباقری تشریح کرد

### نظریه فقه سرپرستی با تأملی به دیدگاه شهید صدر

ششمین نشست هم‌اندیشی فقه حکومتی در مدرسه علمیه حجتیه قم با ارائه نظریه فقه سرپرستی سیدمحمدمهدی میرباقری برگزار شد.

به گزارش وسائل، میرباقری در این نشست نظریه خود را در قالب سه عنوان «ضرورت ورود فقه به عرصه فقه سرپرستی»، «بازخوانی برخی زوایای فقه سرپرستی در فضای فلسفه فقهی» و در نهایت «بازخوانی برخی زوایای فقه سرپرستی در فضای فلسفه اصول» مطرح کرد.

از مزیت‌های این نشست این بود که میرباقری نظریه فقه سرپرستی به صورت تطبیقی نظریه فقه سرپرستی را با نظریه فقه نظامات اجتماعی مرحوم شهید صدر ومقاسباتی بیان کرد. از نظر میرباقری، مرحوم علامه شهید صدر در فقه نظامات اجتماعی این است که متشکن به این نکته شد که مسئله مستحده جدید فقه ما مسئله نظاماتی است که طراحی شده اسلام نیستند و قوانین را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. لذا اگر این نظامات پذیرفته شوند هر قدر بر احکام دینی و قوانین مدنی یافشاری کنید، حتماً این احکام و قوانین مدنی دستخوش تغییر می‌شوند؛ لذا به این نکته توجه کرد که ما به امری غیر از قوانین و احکام مدنی، احتیاج داریم که جلوی انحلال قوانین شرعی در نظامات غیراسلامی را بگیرد.

وی راه‌حل را رسیدن به نظامات اسلامی می‌داند، اما راحل آن را توجه به اثر گذاری چهار لایه در نظام‌سازی می‌داند. اول: ایدئولوژی‌ها، دوم: رایطه آن با اعتقادات و اندیشه‌ها، سوم: مکاتب که محور آن روش‌های تأمین عدالت اجتماعی را دیدگاه یک مذهب و ایدئولوژی است. چهارم: قوانین خاص اجتماعی. از نظر میرباقری واضح است که نوآوری مرحوم شهید صدر یک نوآوری اثر گذاری است و خود وی هم دریافت که روش دستپایی به این مکاتب، به نحو مرسوم در سنت اجتهاد ناممکن نیست.

میرباقری بر اساس مسئله مستحده‌های که شهید صدر در نیاز به نظامات اجتماعی مطرح کرد سه امتیاز کلی در نظریه فقه سرپرستی معرفی کرد: اول در فقه سرپرستی اینکه چطور یک ایدئولوژی مثل منفعت‌گرایی شخصی توانست مبنای شکل‌گیری اندیشه و مکتب قوانین قرار بگیرد راه‌م باید به مراتب چهارگانه تحلیل شهید صدر و در ابتدای بحث اضافه کرد. در نظریه فقه سرپرستی یک نظامات تولی و ولایت‌های اجتماعی قبل از شکل‌گیری ایدئولوژی‌ها وجود دارند که خودشان خصوصیات و لوازمی دارند.

دوم اینکه در نظریه فقه سرپرستی، مسئله مستحده زمانه ما نظامات مدرن نیست، بلکه استراتژی «توسعه و تکامل نظامات» در مقیاس جهانی است- که آنچه شهید صدر در شکل‌گیری نظامات جدید، مدنظر داشت از لوازم این استراتژی خاصی مدیریت تحول و دست‌ان نظامات است؛ بنابراین فقه باید بالاتر از نظامات اجتماعی، اول به خود تحول و توسعه نظامات به عنوان یک مسئله قهقی توجه کرد. در این نگاه مسئله این است که اگر ما بتوانیم نظامات موازی نظامات مدرن ایجاد بکنیم باز هم چون مدل مدیریت تحول و توسعه در عصر مدرن به نفع و ولایت کفار تولید شده است، نظامات ما در مسیر تحول، دوباره در دستگاه کفار منحل می‌شود و تکلیف زمانه ما ساقط نمی‌شود.

سوم شهید صدر می‌فرماید که ما نیازمند مکتب(که دینی و غیر دینی دارد) و علم (که البته دینی و غیردینی ندارد) برای رسیدن به قوانین و سازوکارها هستیم اما در نظر سرپرستی برای رسیدن به سازوکار، غیر از مکتب و علم به برنامه (مدل) هم نیازمند هستیم، با این خاصیت که اسلامیت باید در هر سه دیده شود و البته به یک مبنا هم باز گردد و تشتت در مبنا را نمی‌توان پذیرفت. حجیت این مبنا هم حجیت آن به حجیت برهان و استقرا نیست، بلکه باید تبعیت از وحی بتواند مبنا واقع شود، در فقه سرپرستی هم نظامات عینی اجتماعی باید مکتب داشته باشند و هم نظامات علمی.

چهارم بر اساس آنچه در دو نکته بالا گفته شد فقه سرپرستی هم همان‌طور که شهید صدر سعی کرد شأن شارع را برای تخاطب با مکلفین در موضوع نظامات اثبات کند، ما نیز باید بتوانیم ثابت کنیم که شأن شارع این است که سرپرستی تکامل اجتماعی را موضوع خطبات خود قرار دهد یا نمی‌تواند.